

جواب فعالیت های درس ۱۲ پیام های آسمانی هشتم

به نام خدا

## فعالیت کلاسی (صفحه ۹۸ کتاب درسی)

به نظر شما بیکاری چه مشکلات دیگری در جامعه به وجود می‌آورد؟ رواج بی بند و باری - فساد - دزدی - از بین رفتن امنیت و آرامش در جامعه

## فعالیت کلاسی (صفحه ۹۹ کتاب درسی)

مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، از خداوند بخواهید دعاهای مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر می‌خواهی به این خواسته‌ات برسی، کسب و کار حلال در پیش بگیر.

این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می‌کند:

پیام: مستجاب نشدن دعاها.

اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونه بالا، پیام هر حدیث درباره مال حرام را بنویسید.

۱- امام رضا (ع): مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.

پیام: از بین رفتن برکت از مال

۲- امیرالمؤمنین (ع): کسی که اموالش را از راه نادرست به دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می‌دهد.

پیام: از دست دادن مال در جای نادرست

## خودت را امتحان کن (صفحه ۱۰۰ کتاب درسی)

۱- کار کردن چه فوایدی برای فرد و جامعه دارد؟ سه مورد را بیان کنید. کسب توانایی برای انفاق - امکان سخاوتمندی و مشارکت در کارهای خیر - برطرف ساختن مشکلات اجتماعی

۲- چند کار نام ببرید که درآمد آنها حرام است. قاچاق اسلحه - قاچاق مواد مخدر - خرید و فروش لوازم دزدی - خرید و فروش سی دی‌های غیر مجاز

۳- سه شغل حلال نام ببرید که ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام شود.

فروشنده‌ای که وسیله ای بی‌کیفیت را در بسته بندی وسیله باکیفیت قرار می‌دهد و به قیمتی بیشتر می‌فروشد مال او حرام می‌شود. کارمندی که در ساعت کاری به انجام وظایف اداری خود نپردازد، پولی که می‌گیرد حرام است. معلمی که در ساعت کاری به جای تدریس به دانش آموزان به کار شخصی خود بپردازد، پولی که می‌گیرد حرام است.

۴- کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی انسان دارد؟

انسان مرتکب گناه بزرگی شده که حتی اگر همه آن اموال را در راه خیر مصرف کند گناهش پاک نمی‌شود.

۱- مستجاب نشدن دعاها

۲- از دست دادن مال در جای نادرست

۳- دور شدن از خداوند و غرق شدن در گناه

۴- عذاب‌های دنیوی و اخروی

۵- از بین رفتن برکت از مال

۶- فقر و تنگدستی

داستان بازار سیاه (داستان شماره ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوانید و آن را برای دوستانتان بازگو کنید.

عائله امام صادق و هزینه زندگی آن حضرت زیاد شده بود. امام به فکر افتاد که از طریق کسب و تجارت عایداتی به دست آورد تا جواب مخارج خانه را بدهد. هزار دینار سرمایه فراهم کرد و به غلام خویش که «مصادف» نام داشت فرمود: «این هزار دینار را بگیر و آماده تجارت و مسافرت به مصر باش.»

«مصادف» رفت و با آن پول از نوع متاعی که معمولاً به مصر حمل می‌شد خرید و با کاروانی از تجار که همه از همان نوع متاع حمل کرده بودند، به طرف مصر حرکت کرد.

همینکه نزدیک مصر رسیدند، قافله دیگری از تجار که از مصر خارج شده بود، به آنها برخورد. اوضاع و احوال را از یکدیگر پرسیدند، ضمن گفت‌گوها معلوم شد که اخیراً متاعی که مصادف و رفقاییش حمل می‌کنند بازار خوبی پیدا کرده و کمیاب شده است. صاحبان متاع از بخت نیک خود، بسیار خوشحال شدند و اتفاقاً آن متاع از چیزهایی بود که مورد احتیاج عموم بود و مردم ناچار بودند به هر قیمت هست آن را خریداری کنند.

صاحبان متاع، بعد از شنیدن این خبر مسرت بخش، با یکدیگر هم عهد شدند که به سودی کمتر از صد در صد نفروشند. رفتند و وارد مصر شدند. مطلب همان طور بود که اطلاع یافته بودند. طبق عهده‌ی که با هم بسته بودند بازار سیاه به وجود آوردند و به کمتر از دو برابر قیمتی که برای خود آنها تمام شده بود نفروختند.

مصادف، با هزار دینار سود خالص به مدینه برگشت. خوش وقت و خوشحال به حضور امام صادق رفت و دو کیسه که هر کدام هزار دینار داشت جلو امام گذاشت. امام پرسید: «اینها چیست؟»

گفت: یکی از این دو کیسه سرمایه‌ای است که شما به من دادید و دیگری که مساوی اصل سرمایه است سود خالصی است که به دست آمده.

امام: «سود زیادی است، بگو ببینم چطور شد که شما توانستید این قدر سود ببرید؟»

قضیه از این قرار است که در نزدیک مصر اطلاع یافتیم که مال التجاره ما در آنجا کمیاب شده، هم قسم شدیم که به کمتر از صد در صد سود خالص نفروشیم و همین کار را کردیم!

«سبحان الله! شما همچین کاری کردید! قسم خوردید که در میان مردم مسلمان بازار سیاه درست کنید، قسم خوردید که به کمتر از سود خالص مساوی اصل سرمایه نفروشید! نه، همچو تجارت و سودی را من هرگز نمی‌خواهم.»

■ خیلی مخلصیم

■ منبع: گاما

■ تهیه کننده پی دی اف: 9MIHA